

حصار شادمان در «تاریخ امیران منغیته ی بخارا» ی استاد صدر الدین عینی

محمد رجب عبد الحامد

استاد صدرالدین عینی در امر آموزش و دسترس عموم گرداندن تاریخ خلق تاجیک و فرهنگ و مدنیت غنی و پُر قیمت آن حصّه ی بی نهایت بزرگ گذاشته است. یکی از عالمان و مؤرخان شناخته ی تاجیک، آکادمیسین ظریف رجباف سال ۱۹۴۱ تحت عنوان «صدرالدین عینی-تاریخ شناس خلق تاجیک»، آپیرک [رساله، مقاله] مختصر تاریخی را نشر نموده، به خدمت های برجسته ی استاد صدرالدین عینی در باب آموزش تاریخ خلق تاجیک بهای بلند و سزاوار داده است. (۱)

بعدتر یکی دیگر از محققان برجسته ی تاریخ خلق تاجیک آکادمیسین استاد باباجان غفوراف در اثر مشهور خویش «تاجیکان» چهارده نامگوی [عنوان] از اثرهای علمی و بدیعی [ادبی] استاد صدرالدین عینی را استفاده برده است که این اثرها از معلومات های پرقیمت تاریخی خالی نیست. همین را باید خاطر نشان کرد که وقتی انستیتو [پژوهشکده] تاریخ و ادبیات شعبه ی تاجیکستانی آکادمی فن های اتحادشوروی و نشریه ی تاریخ تاجیکان و تاجیکستان، نشریات دولتی تاجیکستان سال ۱۹۷۴، اثری را مشتمل بر ۳۸۴ صحیفه با نام «تاریخ مختصر خلق تاجیک» دسترس عامه ی خوانندگان نمود، استاد صدرالدین عینی نخستین فردی بود که در مجله ی «شرق سرخ» (شماره ی ۴-۱۹۴۸) تقریظی را زیر عنوان «تاریخ مختصر خلق تاجیک» نشر نموده، به مؤلف آن باباجان غفوراف یک چند مصلحت ها و توصیه های سودمند داده است. وقتی کس این

1 3. Раджабов. «Сариддин Айнӣ историк таджикского народа» Таджикгосиздат- Сталинабад 1941

تقریظ استاد را بادقت از نظر می‌گذرانند، بار دیگر به تاریخ دانی و تاریخ شناسی استاد صدرالدین عینی توجه خاصه ظاهر می‌نمایند.

از جمله استاد صدرالدین عینی در تقریظ یاد شده چنین نوشته است:

«هرچند احوال و اوضاع تاریخی گذشته‌ی خلق تاجیک در منبع‌های گوناگون شرقی و غربی به طرز پراکنده قید شده باشد و با حجت‌های علمی - باستان شناسی به ثبوت رسیده باشد هم، آن احوال به طرز علمی به عامه‌ی تاجیکان معلوم نبود و با تفتیش‌ها و کاوش‌های جداگانه به دست درآوردن آن گونه معلومات برای هر کس میسر نمی‌شد.

در زبان تاجیک چاپ شده برآمدن [انتشار] «تاریخ مختصر خلق تاجیک» آن احوال و اوضاع تاریخی را قسماً باشد هم، به عامه‌ی تاجیک زبانان دسترس کرد». (۱)
بعدتر استاد باباجان غفوراف محض با مصلحت‌های این عالم برجسته عمل نموده، برای دسترس جهانیان گرداندن گذشته‌ی خلق تاجیک، حصه‌ی بزرگ و بی‌بهای خود را گذاشت.

امروز علم تاریخ شناسی تاجیک، خصوصاً آموزش تاریخ خلق تاجیک خیلی پیش رفته‌است، مؤرخان و تاریخ‌نگاران در این ساحه کشفیات نو به نو به دست آورده تاریخ خلق تاجیک را غنی و رنگین نموده‌اند. ولی سال‌ها می‌گذرد و خدمت‌های علامه‌هایی چون استاد صدرالدین عینی و باباجان غفوراف را ملت کهن بنیاد ما با خط زرين می‌نویسد.

یکی از اثرهای مشهور تاریخی استاد صدرالدین عینی «تاریخ امیران منغیته‌ی بخارا» می‌باشد. این اثر را صدرالدین عینی آپیرک نامیده‌است، با سرلوحه‌ی «تاریخ سلسله‌ی منغیته که در بخارا حکم رانده‌اند»، در مجله‌ی «شعله‌ی انقلاب» با امضای «ص.م.» سال ۱۹۲۰ از ۲۰ سپتامبر تا ۲۳ دسامبر در ۹ شماره، سال ۱۹۲۱ از ۱ ژانویه تا ۲۸ نوامبر در هیجده شماره نشر شده است.

بعدتر این اثر را در شکل کتاب علی‌حده نشریات دولتی ترکستان (تاشکند - ۱۹۲۳) نشر نموده‌است. (۲)

1 С. Айни, Куллиёт, Чилди 10, Нашриёти «Ирфон» - Душанбе 1966, сах 287.

2 С. Айни – Куллиёт, чилди 10, сах 317

وقتی کس با این سرچشمه‌ی [منبع] مهم تاریخ، شناس [آشنا] می‌گردد با قسم تاریخ حصار شادمان آشنا گردیده، معلومات پر قیمت علمی به دست می‌آورد. ما هم در نوبت خود لازم دانستیم که واقعه‌های مهم تاریخی حصار شادمان را، بار دیگر به خوانندگان پیشنهاد [عرضه] نماییم. امروز که قلعه‌ی باستانی حصار به یکی از مرکزهای کلان سیاحی و جهانگردی جمهوری تبدیل یافته است، از این واقعه‌های مهم واقف گردیدن خوانندگان از اهمیت خالی نیست.

از جمله استاد صدرالدین عینی می‌نویسد که اولین امیر منغیته‌ی بخارا رحیم‌بی منغیت بوده، در روز دوشنبه‌ی ماه ربیع‌الاول، ۱۱۷۰ هجری (۱۷۵۶ میلادی) به تخت سلطنت نشست. وقتی او به سرتخت آمد، خطبه را با نام خود خوانده، دعوای پادشاهی نمود و به حصار شادمان لشکر کشیده، بعد از غالب آمدن، پسر عموی خود دانیال‌تالیق را به حصار و کوهستان (منظور تاجیکستان جنوبی است) حاکم تعیین نمود. رحیم‌بی ۲ سال و ۳ ماه و ۱۵ روز حکمرانی نمود. بعد از دانیال‌بی، فاضل طوره توسط رحیم‌بی به مسند خانی رسید. خود رحیم‌بی در مقام «نایب الحکومه» باقی ماند. (۱)

در اینجا استاد صدرالدین عینی خاطر نشان می‌کند که بعد از یک سال بعضی از ولایات اطراف مثل اوراتپه (استروشن) و حصار شادمان سر از چنبر اطاعت منغیته درکشیده ولایت خود را خود مختار اعلان کرده‌اند. (۲)

صدرالدین عینی از حال دیگر حاکم منغیته امیر حیدر (۱۸۰۰-۱۸۲۳) خواننده را واقف نموده، از جمله نوشته است: «امیر حیدر زیاده زن دوست و زن‌باز بود. هر دختری را که از حسن و جمالش می‌شنید، در نکاحش درآورده، بعد از یک شب خلوت طلاق می‌کرد. اکثر دختران اعیان و اشراف را نیز با بهانه‌ای به دست می‌درآورد. چنانچه دختر حاکم حصار شادمان سعیدبی و دختر حاکم شهر سبز صادق بی را بزور تصرف کرده بود». (۳)

علاوه بر این صدرالدین عینی از اثر تاریخی با نظم انشا شده‌ی میرزا عظیم سامی «تاریخ سلطنت منغیته» استفاده نموده نوشته است که:

«امیر حیدر از بالای سمرقند به شهر سبز یورش برده، بعد از قتل و غارت ایل

1 Ҳамон ҷо, саҳ 10.

2 Ҳамон ҷо, саҳ 12.

3 Ҳамон ҷо, саҳ 27

کینگس به حصار شادمان لشکر کشیده حاکم آنجا الله بیردی تاز را کشته، تمام کوهستان را تصرف کرد» (۱).

بعد از وفات امیر حیدر پسر او امیر نصرالله تقریباً ۳۳ سال پادشاهی کرده، سال ۱۸۶۰ در بخارا وفات کرد.

در عصر ۱۹ بیک حصار نه تنها خود را مدافعه کرده می‌تواند، بلکه از حساب همسایه‌ها حدود ولایت خود را وسیع می‌نماید. در این دوره شیرآباد، ترمذ، بایسون، قبادیان، قُرغان تپه و یک قسم کولاب را زیر حاکمیت حصار می‌درآورد [درمی‌آورد]. (۲)

تنها در زمان حکومت امیر مظفر (۱۸۶۰-۱۸۸۵) امیر بخارا با یاری لشکر روس سال ۱۸۶۶ حصار را تابع خود می‌کند. (۳)

شرح این حوادث را استاد صدرالدین عینی چنین به قلم داده است: «امیر مظفر در مملکت بخارا خونریزی را از حد گذرانید. به جبر و اعتساف امیر طاقت نکرده، ولایت حصار شادمان و کوهستان عصیان کردند. امیر به طرف کوهستان عسکر کشیده قهراً ضبط کرد. وقتی که در محاربه‌ی ده‌نو هزار نفر اسیر به دستش افتاد، در پیش خیمه‌ی خود همه را سر از تن جدا کرد. وی به جلاد خود فرمان داد که تا غروب آفتاب کار همه را تمام کند، وگرنه خودش قتل کرده می‌شود. حیثیت جلاد بعد از امر قطعی در فرصت یک ساعت چهارصد نفر اسیران زنده مانده را قتل کرد.

در این سفر حاکم حصار عبدالکریم پروانه‌چی را با همه‌ی اولادش اسیر کرده، نخستین اولادش را تا کودک چارده ساله در پیش نظرش کشته، پس از آن خود عبد الکریم را کشت. (۴)

خدمت برجسته‌ی عینی در آن است که در اثر خود راجع به شرح حال امیر عبدالرحمان خان (۱۸۴۴-۱۹۰۱) پادشاه افغانستان که بعد از جنگ دوم افغانستان با انگلیس‌ها (۱۸۷۸-۱۸۸۰) به سر حاکمیت آمد، در زمان حکمرانی امیر مظفر به بخارا و ترکستان پناه برده بود، بعضی معلومات داده، از جمله از اثر ترجمه‌حال او موسوم به «تاج التواریخ»، بسیار نکته‌های اساسی را استفاده نموده‌است. اثر یاد شده تاریخ مملکت

1 Ҳамон ҷо, саҳ 25.

2 А. Ҳабабзода. «Аз ганҷинаи адабии Ҳисор», - Душанбе-1995, саҳ 8.

3 Ҳамон ҷо, саҳ 8

4 С. Айнӣ, Ҳамон ҷо, саҳ 43

اعتنایی به احکام خدا و شرع پیغمبر ندارد و هر کسی هم از قوانین شریعت تجاوز نماید، علماء که حامی و مروّج این شریعت هستند، اعتنایی به او ندارند، از این سبب روس ها به ولایت ترکستان استیلاء یافته‌اند.

از گذشته شدن این اشخاص بی گناه گریستم و چند نفر سوار را مقرر داشتم، خون آنها را به خاک پوشانیده، صورت قبر درست نمایند.

شب را به کمال ناامیدی و ملال به سر برده به طرف حصار روانه شدم.

از راه سرآسیا، یورچی و ریگر وارد حصار شدم. شنیدم پسر امیر بخارا در آن شهر است. لیکن وقتی که از آمدن من مطلع شده است از شهر خارج شده به بیلاق قرتاغ رفته است.^۱

صدرالدین عینی وقتی در باره‌ی آخرین امیر سلطنت منغیتیه سید امیر عالم خان (دوره‌ی حکمرانی اش ۱۹۱۰-۱۹۲۰ و ۲۹ ماه ثور سال ۱۹۴۴ در افغانستان وفات کرده است) به‌طور مفصل حرف می‌زند، از جمله خاطر نشان کرده است که به ناموس رعیه تجاوز نمودن در ولایت‌های کوهستان بخارای شرقی از حرکت‌های عادی شده بود. برای اثبات این فکر استاد می‌نویسد که:

«چنانچه یکی از حاکمان حصار شادمان پس از معزولی خود ۳۰ نفر دختر حصاری را به عنوان دخترخانه همراه خود به بخارا آورد و به هیچ مسئولیت هم گرفتار نگردید.»^(۲)

استاد صدرالدین عینی فرار امیر عالم‌خان را به افغانستان این طور به قلم داده است:

«امیر عالم خان ۱ سپتامبر سال ۱۹۲۰ از شمال شهر بخارا از چارباغ ستاره‌ی ماه خاصه به رعیت خود سفر کرده به غجدوان رفته، شب را در آنجا در خانه ی عبدالله بای‌بچه روز می‌کند.

به داخل شهر بایسون ندرآمده به طرف حصار روان شد. وی با خود زر و سیم گرفته باشد هم، از بیم تعقیب همه را در راه پرتافت [پرتاب کرد، بیانداخت]. چنانچه در وقت وارد شدنش به حصار گویا که بی چیز بود. بنا بر این ثروت حاکمان این سرزمین را

1 С. Айни, Куллиёт, чилди 10, сах 95.

2 С. Айни, Ҳамон чо, сах 139

به مصادره کشیده، اسباب معیشت خود را آراسته کرد. از آن جمله اموال حاکم حصار اولیاقل بیگ را نیز مصادره کردنی شد، لیکن اولیاقل بیگ به طرف بلجوان فرار کرده، مجال نداد. وقتی اولیاقل بیگ بعد از به دوشنبه رفتن امیر به حصار برگشت، از طرف آدمان مخصوص امیر با اهل و عیال خود به حبس گرفته شد. امیر در اینجا به تهمت جدیدی چند نفر را به قتل رسانید». (۱) عسکران امیر غزاطلبان و باسمه چیان فرغانه که به نیت امداد در رکاب امیر آمده بودند، اهالی حصار را تاراج کرده، به جان رسانیدند. بنا بر این اکثر اهالی به کوه‌های بلند فرار کرده، شهر و قشلاق‌ها را خالی گذاشتند. (۲)

در آخر ما به چنین خلاصه [نتیجه] آمدیم که در دوام ۱۶۸ سال حکمرانی امیران منغیتییه در بخارا، حصار شادمان بارها از دست به دست گذشته، قتل و غارت مردم محلی بی‌اندازه بود، این بود که رعیت با یک حال تباه حیات به سر می‌برد.

1 С. Айни, Куллиёт, чилди 10, сах 187.
2 Ҳамон ҷо.

منابع و مآخذ:

۱. ص. عینی. «تاریخ امیران منغیته‌ی بخارا». کلیات، جلد ۱۰، نشریات «عرفان» دوشنبه ۱۹۶۶.
۲. ب. غفوراف. «تاجیکان» آخرهای عصر میانه و دوره‌ی نو، دوشنبه نشریات «عرفان»، سال ۱۹۸۵.
۳. ب. غفوراف. «تاریخ مختصر خلق تاجیک» استالین‌آباد [دوشنبه] ۱۹۴۷.
۴. ز. رجب‌اف. «صدرالدین عینی-تاریخ‌شناس تاریخ خلق تاجیک» نشریات دولتی تاجیکستان-استالین‌آباد-۱۹۴۱.
۵. حبیب زاده. «از گنجینه‌ی ادبی حصار» دوشنبه ۱۹۹۵.
۶. «شرق سرخ» ش ۴ استالین‌آباد-۱۹۴۸.